

## تحلیل کیفی پیامدهای اقتصادی و فرهنگی صنعتی شدن (مورد مطالعه، روستاهای حومه طرح پتروشیمی مهاباد)<sup>۱</sup>

کریم علی نژاد<sup>۲</sup>، سید احمد فیروز آبادی<sup>۳</sup>، حسین دانش مهر<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و واکاوی اثرات اقتصادی و فرهنگی صنعت پتروشیمی در شهرستان مهاباد میباشد. سوال اصلی تحقیق این است که سیاست توسعه صنعتی در مهاباد، چه تأثیری بر اقتصاد و فرهنگ جوامع محلی پیرامون آن داشته است. روش تحقیق مورد استفاده کیفی و از تکنیک تحلیل تماتیک جهت تجزیه و تفسیر اطلاعات میدانی استفاده شده است. داده ها با استفاده از تکنیک های مصاحبه نیمه ساخت یافته و مشاهده، جمعآوری شده اند و از روش نمونه گیری نظری جهت پاسخ به اهداف تحقیق استفاده شده است، بطوریکه با ۲۱ نفر از مطلعین کلیدی که بصورت مستقیم در معرض پدیده مورد مطالعه بودند، مصاحبه شده است. مصاحبه ها در دو مرحله کدگذاری باز (اولیه و متمرکز) و محوری مورد تحلیل قرار گرفته اند. در حوزه اقتصادی تعداد ۳۶ مفهوم اولیه در زیر ۱۲ مقوله عمده (نابرابری اقتصادی- کاهش درآمد افراد بومی- تغییر در مالکیت زمین- عدم به کارگیری نیروهای بومی- چالشی شدن معیشت- ناشناختگی و غیرقابل پیش بینی بودن طرح برای مردم- تغییر نامتناسب در معیشت مردم بومی- رانت کاری در پتروشیمی- عدم انتفاع مردم بومی- تبعیض جنسیتی در نیروی کار- افزایش درآمد برای برخی از افراد، افزایش تجارب و مهارت های برخی از مردم) صورت بندی شده است. در حوزه فرهنگی ۲۰ مفهوم اولیه تحت شش مقوله عمده (ناهمگنی فرهنگی- عدم فعالیت پتروشیمی در حوزه فرهنگی- عدم وجود زیرساخت های متناسب با پتروشیمی- تغییر در باورهای فرهنگی مردم- آشنایی با فرهنگ های جدید- انتشار فرهنگی) استخراج شدند. نتایج پژوهش نشان میدهد که اثرات در حوزه اقتصادی بیش از آنکه به معیشت مردم نواحی پتروشیمی کمک کند، آنها را متضرر و حتی در مواردی مردم بومی را در حوزه اشتغال و نیروی کار طرد کرده است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد، فرهنگ، تحلیل کیفی، صنعت پتروشیمی، مهاباد.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

<sup>۱</sup> . این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات توسعه اجتماعی آقای کریم علی نژاد در دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر سیداحمد فیروزآبادی و مشاوره دکتر حسین دانش مهر است.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: karim.alinezhad@gmail.com)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (Email: Ahmadrezafattahi73@gmail.com)

<sup>۴</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران (Email: hdaneshmehr@yahoo.com)

## مقدمه

صنعتی شدن هدفی است که کشورهای کم‌رشد امیدوارند با نیل به آن، برای مشکلاتی چون فقر و تراکم بیش از اندازه جمعیت، راه‌حلی یافته و عقب‌ماندگی خود را خاتمه بخشند (موسوی شاهرودی، ۱۳۸۳: ۴۳). پتروشیمی یکی از انواع عناصر توسعه صنعتی است، نسخه‌ای که به بهانه ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای جوامع کمتر توسعه یافته پیچیده می‌شود. چراکه ورود صنعت به اجتماعات موجب دگرگونی صنعتی در آن‌ها می‌شود. در کشور ایران هم بخش صنعت طی چند دهه اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است، بطوریکه، یکی از راهکارهای اصلی توسعه اقتصادی را توسعه بخش صنعت انتخاب کرده‌اند و صنعت را مهم‌ترین ابزار برای توسعه سایر بخش‌ها دانسته‌اند (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۱: ۲).

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به‌عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار و به‌عنوان آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم‌اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین‌کننده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود. این دیدگاه معتقد است صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیر کشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه و تأمین کالاهای و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی است (طاهر خانی، ۱۳۸۰: ۳۴). از آنجایی که صنعتی کردن روستا به استقرار صنعت در مراکز روستایی اشاره دارد و باعث ایجاد اشتغال غیر کشاورزی، کمک به جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری، تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستایی، استفاده کامل از مهارت‌های موجود در ناحیه، فراوری تولید کشاورزی محلی و تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی می‌شود (سرور امینی، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

بیکاری، عدم توازن منطقه‌ای و میل به توسعه یافتگی در منطقه، پای صنعت پتروشیمی را به شهر مهاباد باز نموده است، پدیده‌ای ناآشنا و ناهمخوان با تاریخ منطقه، که بلکه از طریق آن بتوان نجات بخش مسائل اقتصادی و فرهنگی منطقه شد. بر همین مبنا شرکت پتروشیمی مهاباد، به‌منظور توسعه تولیدات پتروشیمیایی، صادرات پتروشیمیایی، ایجاد ارزش افزوده بر روی سرمایه‌های ملی، جذب و به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید پتروشیمیایی، ایجاد تعادل منطقه‌ای، تحرک بخشی به فرآیند تولید در مناطق کمتر توسعه یافته، ایجاد اشتغال، ارتقای فناوری در بخش صنایع مرتبط با نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین فعال کردن صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و با توجه به مصوبات هیئت وزیران، با مشارکت پتروشیمی ایران و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تعریف شده است. عملیات آماده‌سازی طرح در سال ۱۳۸۳ آغاز و عملیات اجرایی پروژه از سال ۱۳۸۶ آغاز شد و اکنون چند فاز آن به بهره برداری رسیده است.

طبیعی است که با ورود عناصر جدید صنعتی به یک منطقه، انتظار پیامدهای مثبت و منفی این عناصر را داشت. لذا در این پژوهش قصد بر بررسی پیامدهای اقتصادی و فرهنگی ورود طرح پتروشیمی مهاباد بر جوامع محلی پیرامون طرح، است. بدین ترتیب با توجه به اهداف تعیین شده، سوال اصلی تحقیق بدین قرار است؛ پتروشیمی مهاباد چه پیامدهایی بر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی منطقه داشته است؟

## اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به این که اکثر مناطق ایران دارای سبک زندگی، فرهنگ و منابع بومی و غنی هستند، اجرای پروژه‌ها بدون انجام ارزیابی پیامدها می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد؛ شهرستان مهاباد هم از این قاعده مستثنی نیست. کارشناسان توسعه روستایی اعتقاد دارند که آگاهی از خصوصیات فرهنگی روستاییان به‌منظور ایجاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران از اهمیت فراوانی برخوردار است. به همین دلیل اگر برنامه‌های توسعه بر اساس شناخت انگیزه‌ها، ارزش‌ها و خرده فرهنگ روستاییان استوار نباشد، دچار شکست خواهد شد. طرح پتروشیمی مهاباد در راستای اهداف کلان توسعه کشور و در مواردی شاید بتوان گفت که بدون ارزیابی پیامدها در منطقه به اجرا درآمده است. درحالی که اجرای چنین پروژه‌هایی نیازمند ارزیابی‌های اجتماعی در منطقه است.

معمولاً گفته می‌شود که هدف ایجاد قطب رشد در کشورهای در حال توسعه، ایجاد تحرک اقتصادی در مناطق توسعه نیافته و محروم و کمک به رشد و پیشرفت آن‌ها در جنبه‌های مختلف است. کم‌توجهی به روند متناسب‌سازی فعالیت‌های صنعتی با روندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مناطق، باعث ایجاد رشد نامتوازن، مشکلات پیچیده، کندی پیشرفت مراحل توسعه و از همه مهم‌تر از دست رفتن زمان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه غیرقابل برگشت برای جبران نابسامانی‌ها خواهد بود (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۱: ۴).

پروژه‌های توسعه صنعتی با وجود اینکه می‌توانند در بدو کار، اشتغال و درآمدزایی و تقویت جنبه اقتصادی جامعه هدف را به دنبال داشته باشند، ولی در واقع جدا از این ابعاد، می‌توانند بر جنبه‌های دیگری از زندگی مردم تأثیر -چه مثبت و چه منفی- بگذارند. اگر پروژه صنعتی کردن برای ایجاد اشتغال و جایگزین مناسب اشتغال مطرح شده است، باید میزان موفقیت و کارآمدی آن در بهبود وضعیت معیشتی مردم واکاوی شود. بنابراین پتروشیمی از پروژه‌هایی است که می‌تواند با تغییر در شیوه کسب و کار و معیشت، اثراتی در شبکه روابط انسانی به وجود بیاورد. با ورود این پروژه و عدم سابقه صنعتی این منطقه، قابل انتظار است که افراد ماهر، صنعت‌گران، کارخانه‌داران و در کل افراد آشنا به امور پتروشیمی در منطقه وجود نداشته باشند. لذا بسیاری از کارگران و پیمانکاران از همان بدو احداث پروژه از شهرهای صنعتی دیگر به این منطقه آمده‌اند و در نتیجه افراد بومی چنان نتوانسته‌اند در جریان طرح قرار گیرند. بدین ترتیب باید تحلیل شود که در اجرا و تدوین طرح تا چه اندازه به معیشت مردم بومی و فرهنگ آنان اهتمام داده شده است و سازگاری مردم محلی در مراحل اجرا و تدوین مورد تحلیل قرار گیرد. این امر از آن لحاظ اهمیت دارد که پیامدهای منفی شناسایی شوند و حذف یا تعدیل گردد. در مجموع با توجه به مسائلی که در بالا مطرح شد و نیز آداب و سنت‌های قومی، مذهبی و ترکیب جمعیتی منطقه و عدم انجام هیچ نوع برآورد اجتماعی قبل و بعد از اجرای طرح، خلأ جایگاه برآورد پیامدهای اقتصادی-فرهنگی طرح پتروشیمی و ضرورت انجام آن بیشتر احساس می‌شود.

هدف این پژوهش، تحلیل کیفی پیامدهای اقتصادی و فرهنگی بر روستاهای اطراف طرح پتروشیمی مهاباد در اثر ورود این صنعت است. سؤالات این پژوهش بدین صورت است که ورود صنعت پتروشیمی چه پیامدهای فرهنگی و اقتصادی داشته است؟ سمت و سوی این پیامدها در حوزه‌های مورد بحث، چگونه است؟ مردم منطقه ورود این پدیده را چگونه تفسیر می‌کنند؟

### چارچوب مفهومی

#### تعریف مفاهیم

**صنعتی شدن:** اصطلاح صنعتی شدن به پیشرفت اقتصادی ادامه‌داری اشاره دارد که به دنبال کاربرد منابع نیروی غیر جاندار برای ماشینی کردن تولید ایجاد شده است. صنعتی شدن در آغاز فقط به شکل تولید کارخانه‌ای بود، اما بعداً به کشاورزی خدمات نیز گسترش یافت. صنعتی شدن باعث ایجاد تقسیم کار تخصصی‌تر، روابط اجتماعی جدید تولیدی میان صاحبان سرمایه، مدیران و کارگران، شهرنشینی و تمرکز جغرافیایی صنعت و جمعیت، و دگرگونی در ساختارهای شغلی شده است. صنعتی شدن، که در آغاز تحولی در اقتصاد سرمایه‌داری بود، اکنون اجزای نظام اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. **درک ماهیت و پیامدهای صنعتی شدن،** از قرن نوزدهم و از زمان بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی تا به امروز موضوع اصلی جامعه‌شناسی صنعتی است (آبرکرومی و دیگران، ۱۹۸۴: ۴) و امروز موضوع اصلی جامعه‌شناسی صنعتی است. **باید توجه داشت که صنعتی شدن با صاحب‌صنعت شدن تفاوت دارد.** صاحب صنعت شدن با خرید و وارد کردن تکنولوژی یا صنعتی خاص امکان‌پذیر است، اما ممکن است وابستگی را بیشتر کند. بعلاوه، معمولاً کشورهای صنعتی صنایع یا تکنولوژی‌هایی را که دیگر برای خودشان سودآور نیست و سربار شده است می‌فروشند؛ اما صنعتی شدن به معنای کسب دانش و مهارت و اطلاعات لازم برای تسلط بر صنعت خاص و استفاده از فناوری مربوط به آن است (همان).

**توسعه پایدار:** توسعه پایدار عبارت است از کاربرد منابع تجدیدشونده و احیا پذیر برای پیشبرد رشد اقتصادی، حفاظت از گونه‌های جانوری و تنوع زیستی، و پایبندی به حفظ پاک‌ی هوا، آب و خاک. کمیسیون برون‌تولند توسعه پایدار را «تأمین‌کننده نیازهای زمان

حاضر، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان» قلمداد می‌کرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۸۳-۸۸۴). اصول توسعه پایدار را این گونه می‌توان خلاصه کرد که توسعه باید از لحاظ زیست‌محیطی پایدار، از جنبه اجتماعی عادلانه، از نظر اقتصادی کارا و از جنبه فرهنگی با جامعه مورد نظر سازگار باشد. (جمعه‌پور، ۱۳۸۶: ۳۱).

### مبانی نظری

در زمینه ورود تکنولوژی به یک جامعه دو دیدگاه وجود دارد. یکی از آن‌ها که قوی‌تر از دیدگاه بعدی است؛ این است که ورود تکنولوژی عامل دگرگونی اجتماعی است. برای نمونه اظهار می‌دارند که پیشرفت‌های فناوریانه، بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره را تغییر می‌دهند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۷-۳۳۶؛ مک‌کنزی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). در این پژوهش چهارچوب مفهومی در دو دسته قرار می‌گیرند: نظریاتی که موافق ورود صنعت هستند و قائل به پیامدهای مثبت آن هستند و نظریاتی که محتاطانه به مسئله نگاه می‌کنند و ورود صنعت را همراه با پیامدهای مثبت و منفی می‌بینند.

### پیامدهای مثبت ورود صنعت

صنعتی شدن به‌عنوان یک تصمیم سرنوشت‌ساز برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد، ضرورتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار نماید. امروزه پرواضح است که صنعتی شدن به‌عنوان عاملی است که اثرات آن در همه بخش‌ها به‌ویژه در بخش اقتصادی احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود (مطیعی لنگرودی، نجفی کانی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). اهمیت صنعت و تکنولوژی در جوامع در حال توسعه، توانایی بالقوه آن برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای تقریباً در همه جوامع، مورد بحث و توافق قرار گرفته است. استدلال غالب آن بود که برای تأمین نیازهای جمعیت رو به رشد کره زمین تنها راه حل افزایش تولید با استفاده از صنعت است (هانت، ۱۳۸۶: ۲۵؛ اوانز، ۱۳۸۲: ۲۵۸؛ توکل، ۱۳۹۰: ۱۸). بدین گونه، از صنعت به‌عنوان راه‌حلی برای توسعه جوامع توسعه‌نیافته استفاده می‌کنند. بر این اساس، صنعت عاملی برای توسعه و ابزاری برای فائق آمدن بر توسعه‌نیافتگی و مسائل زیرساختی در نظر گرفته شده است. استدلال غالب در ارزیابی صنعتی شدن این است که تأسیس کارخانه منجر به بهبود وضعیت افراد شده و انسان‌ها می‌توانند امور خود را به انجام برسانند. تنورسین‌های نوسازی از مارکس و وبر تابل و تافلر خاطر نشان کرده‌اند که ظهور جامعه صنعتی با تغییر فرهنگی یکسان در نظام ارزش‌های سنتی مرتبط است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۴۴).

توسعه اقتصادی نشانه‌هایی از دگرگونی را به همراه می‌آورد که نه فقط صنعتی شدن، بلکه شهرنشینی، آموزش و پرورش همگانی، تخصصی شده مشاغل، گسترش دیوانسالاری و توسعه ارتباطات را در برمی‌گیرد، و این پدیده‌ها به نوبه خود با دگرگونی‌های گسترده‌تر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیوند دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳). اکثر محققان روستایی بر نقش انکارناپذیر صنعتی شدن در جهت رفع نیازهای اساسی در مناطق روستایی تأکید کرده‌اند (توکل، نوذری، ۱۳۹۱: ۳۱). میسرا (۱۹۸۵) معتقد است که صنعتی شدن مناطق روستایی وسیله‌ای برای نیل به توسعه اقتصادی-اجتماعی مدنظر و ابزاری برای تأمین نیازهای افراد جامعه است (میسرا، ۱۹۸۵: ۳). بیشترین تأکید صاحب‌نظران بر گسترش صنایع روستایی به رفع معضل بیکاری و ایجاد فرصت‌های اشتغال در نواحی روستایی است (توکل، نوذری، ۱۳۹۱: ۳۲). به اعتقاد آن‌ها ظرفیت محدود بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال به دلیل محدودیت منابع تولید (آب، زمین حاصلخیز و نهادهای تولید) و جایگزینی فزاینده ماشین‌های کشاورزی به جای نیروی کار از سویی، و بالا بودن نیروی کار در مناطق روستایی به علت بالا بودن زادوولد در این جوامع، از سوی دیگر، لزوم توجه سایر بخش‌های اقتصاد را در مناطق روستایی الزامی می‌کند. صنایع روستایی از طریق جذب و به‌کارگیری نیروی کار مازاد بخش کشاورزی برای اکثریت خانواده‌های روستایی منبع درآمد عمده‌ای فراهم می‌کند، بهبود سطح درآمد باعث توزیع عادلانه‌تر آن می‌شود (ازکیا، ایمانی، ۱۳۸۷: ۳۶۱). استقرار صنعت در نواحی روستایی در کنار افزایش درآمد و ثبات درآمدی به کاهش تفاوت‌های درآمدی بین شهرنشینان و روستاییان منجر شده است (ریزوانل، ۱۹۹۴: ۱۶۶۲-۱۶۴۳). استقرار نواحی صنعتی در روستاها، موجی از ایجاد فرصت‌های شغلی

جدید و کاهش بیکاری و در نتیجه افزایش میزان رضایت شغلی را به وجود می‌آید (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹). گلایدی نیز بر این اعتقاد است که اشتغال مهم‌ترین پیامدی است که می‌تواند مسائل دیگر مانند مهاجرت‌های روستایی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و تمایل به ماندگاری در روستا را بالا ببرد. صنعت همچنین می‌تواند جلوی مهاجرت روستاییان به شهر را نیز بگیرد. کارخانه‌های روستایی باعث جذب جمعیت روستایی و کشاورزی در خود و مانع مهاجرت آنان می‌شود (وثوقی، ۱۳۸۲، ۴۰-۴۳). به‌طور کلی، تحقیقات انجام گرفته در زمینه صنعت به مناطق روستایی این فرضیه را که ورود صنعت به مناطق روستایی باعث کاهش مهاجرت‌ها به شهر می‌شود را تأیید می‌کند (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۳).

### پیامدهای چندگانه ورود صنعت

یکی از محدودیت‌های اصلی در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در مناطق روستایی آن‌ها، فقدان تسهیلات زیربنایی مادی است. توسعه صنایع این تسهیلات را برای روستاها فراهم می‌کند، یعنی به دلیل نیاز صنعت به تسهیلات زیربنایی در مرحله آماده‌سازی، روستاییان نیز از خدمات آن بهره‌مند می‌شوند (توکل و نوذری، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳). یکی از مسائل مهم برای کشورهای جهان سوم در خصوص انتقال صنایع بزرگ و تکنولوژی‌های پیچیده کنترل تبعات آن است تا اینکه به‌طرف مسیر مطلوب سوق پیدا کند. ورود صنعت و تکنولوژی در بسیاری از موارد نتایج اقتصادی مطلوبی داشته، اما در کنار آن پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی مخربی بر جامعه وارد کرده است. تغییرات زیست‌محیطی شدید ناشی از صنایع و تکنولوژی‌ها اغلب خسارت‌های غیرقابل جبرانی به همراه دارد (توکل، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

دانمید اثرات و پیامدهای تکنولوژی و صنعت را در چهار بعد فنی، اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و زیست‌محیطی در نظر گرفته است، به‌عبارت‌دیگر از نظر دانمید برای ارزیابی صنایع بزرگ و تکنولوژی‌های پیشرفته باید به پیامدهای آن در چهار حوزه بالا توجه کرد. دانمید برای سنجش هر بعد شاخص‌هایی در نظر گرفته است. وی برای بررسی پیامدهای صنعت از بعد فنی شاخص‌هایی همچون زیرساخت‌های مادی و دانش فنی؛ برای بعد محیطی شاخص‌هایی همچون میزان مصرف ذخایر، آزاد شدن مواد آلوده‌کننده در محیط و حفاظت از ذخایر؛ در بعد اقتصادی شاخص‌هایی مانند اشتغال، درآمد، قابلیت استفاده و نگهداری لازم محلی و برای سنجش بعد اجتماعی-سیاسی از شاخص‌هایی همچون تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، سطح آگاهی، قابلیت پذیرش در نظر گرفته است (دانمید، ۲۰۰۲، ۴۶۱-۴۷۱). هابسام نیز به پیامدهای صنعت و تکنولوژی توجه کرده است. وی می‌نویسد «آیا صنعت وضع مردم را بهتر کرده یا بدتر، تأثیر آن تا چه حد بوده است؟ دقیق‌تر بگوییم ما از خود می‌پرسیم ورود صنایع چه مقدار قدرت خرید کالا و خدمات و مانند آن‌ها را که با پول خریداری می‌شود به چند نفر از افراد داده‌است؟ ما همچنین بر این باوریم که نیک‌بختی هر فرد عبارت است از انباشتن چیزهایی نظیر کالاهای مصرفی در بیشترین مقدار برای بیشترین افراد؛ اما این فرض منطقی و پذیرفتنی نیست. وی معتقد است همه ماجرایی صنعت این نیست بلکه صنعت و تکنولوژی دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی نیز ایجاد کرده است» (هابسام، ۱۳۸۷: ۸۹). باریبر معتقد است، اندیشه تضاد منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در فرایند توسعه امر بدیهی است و این موضوع وجود دارد که توسعه اقتصادی با پیامدهای اجتماعی و محیطی منفی همراه است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹). به نظر فاستر در انتقال تکنولوژی علاوه بر جنبه‌های فنی باید به جنبه‌های فرهنگی، ارزشی و اخلاقی نیز توجه کافی داشته باشیم. در تمام موارد، تغییرات فنی و مادی با تغییر در طرز تلقی، افکار، ارزش‌ها، اعتقادات و رفتار مردمی که این تغییرات را پذیرفته‌اند همراه است، این تغییرات غیر فنی و غیرمادی غالباً چندان مشهود نیستند و به همین جهت غالباً مورد توجه قرار نمی‌گیرند و اهمیت آن‌ها تشخیص داده نمی‌شود؛ اما اثر نهایی هر بهبود مادی یا اجتماعی بستگی دارد به اینکه جنبه‌های فرهنگی مرتبط با آن یا تأثیرپذیر از آن، تا چه اندازه می‌تواند با حداقل از هم‌گسیختگی تغییر یا بهبود تازه را بپذیرد و با آن همراه شود (فاستر، ۱۳۷۸: ۱۲). به‌زعم فاستر، نهادهای اجتماعی و امور فرهنگی فقط در صورتی تغییر می‌یابند که قابلیت سازگاری با نهادهای اجتماعی و امور فرهنگی مرتبط با خود را داشته باشند؛ و میزان ممکن تغییر همیشه بسته و محدود به میزان این سازگاری است (فاستر، ۱۳۷۸: ۲۶). بررسی تجربه توسعه

در کشورهای درحالی که توسعه در طی چند دهه اخیر و مطالعات متعدد در این زمینه نشان می‌دهد که تلاش‌هایی که در اکثر کشورهای جهان سوم برای دستیابی به توسعه صورت گرفته نه تنها تاکنون قادر نشده‌اند جلو فقر همه‌جانبه را گرفته و زمینه‌های اشتغال کامل را فراهم سازند، بلکه در اکثر موارد به حاشیه‌نشینی و محرومیت کامل بخش‌هایی از جمعیت و تسریع روند مهاجرت از روستاها، تنزل کیفیت زندگی، تبدیل حومه شهرهای بزرگ به محله‌های مسکونی اکثریت فقیر جامعه، گسترش فقر و نابودی محیط‌زیست انجامیده است. به‌منظور کاهش این قبیل پیامدهای آسیب‌شناختی توسعه، "در مفهوم‌سازی مجدد توسعه سه فرایند مهم و شالوده‌ای مورد توجه قرار گرفته است که عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). به طور کلی می‌توان اظهار کرد که ورود صنعت به مانند بسیاری از سیاست‌های دیگر در حوزه توسعه مناطق مختلف می‌تواند دارای وجوه و ابعاد مثبت و منفی باشد.

### پیشینه تجربی تحقیق

■ پژوهش ابویا<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، تحت عنوان «مناقشات معدن و مسئولیت اجتماعی مشترک: معدن تیتانیوم در کوال، کنیا»، در این مطالعه نشان داده شده است که مناقشات پروژهای معدنی حول ۶ مقوله می‌چرخند که عبارتند از: "مالکیت زمین، جبران ناعادلانه، توزیع ناعادلانه منابع، فرسایش محیط، فقر ناشی از معدن، و چالش‌های حقوق بشری". این پژوهش، مسئولیت مشترک اجتماعی را عامل و راه‌حل کاهش این چالش‌ها، پیشنهاد کرده است. پژوهش اگره و سنکال<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، تحت عنوان «ارزیابی تأثیر اجتماعی سدهای بزرگ سراسر جهان: درس‌هایی که در طول دو دهه آموخته شده است» به بررسی سه سد بزرگ گورگس<sup>۳</sup> در چین، ایلیسو<sup>۴</sup> در ترکیه و اورا<sup>۵</sup> در کلمبیا پرداخته است و در پی ارزیابی اثرات برخاسته از این پروژه‌ها و همچنین شدت و اهمیت این تأثیرات برآمده است. تجزیه و تحلیل در این تحقیق به روش‌های اتا صورت پذیرفته است. در این پژوهش از مشکلات به وجود آمده از جمله مشکلات زیست‌محیطی، مشکلات بازسکنی‌گزینی، مشکلات انسانی و اجتماعی می‌توان سخن گفت. ایوانوا<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی صنعت معدن زغال‌سنگ در راک هامپیتون حوضه بوون استرالیا» انجام داده‌اند. این مقاله با هدف تمرکز بر چگونگی اثرات اجتماعی و اقتصادی معادن صنعتی زغال‌سنگ در جوامع محلی و منطقه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داده می‌دهد که ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی باید با تصویب قانونی و همچنین پذیرش جامعه همراه باشد. نتایج حاکی از آن است که ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی جایگزین مکانیسم‌هایی است که می‌تواند در تجزیه و تحلیل ذینفعان و حسابرسی اجتماعی در معادن صنعتی در موقعیت (رشد، کاهش، توسعه جدید اعمال شده، تغییرات به‌طور هم‌زمان) مورد استفاده قرار بگیرد. دو مکانیسم ارزیابی مدل‌سازی انتخابی و تکنیک‌های کارگاه تجربی به‌منظور تسهیل در مقایسه با روش‌های سنتی به تأثیر ارزیابی، مدل‌سازی ورودی و خروجی و تجزیه و تحلیل ذینفعان نیز انجام شده است.

■ توکل و نودری (۱۳۹۱)، در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت پالایشگاه گاز پارسیان بر نواحی روستایی (مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان مهر در استان فارس)» در پی بررسی اثرات پالایشگاه گاز پارسیان واقع در استان فارس برآمده‌اند. در این تحقیق پیامدها به دو دسته مادی شامل: اقتصادی و زیست‌محیطی و غیرمادی (اجتماعی)، تقسیم شده‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق کیفی بوده و از تکنیک‌های

1 Abuya

2 Dominique Égré & Pierre Senécal

3 Gorges

4 Ilisu

5 Urta

6 Galina Ivanoa

مشاهده مستقیم و مصاحبه‌های عمیق استفاده شده است و تجربه زیسته افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق از پیامدهای متناقضی سخن گفته به میان آمده است؛ از طرفی، با ایجاد اشتغال و درآمدهای پایدار و امکانات زیربنایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های زیادی برای روستاییان فراهم و از طرف دیگر، تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی فراوانی ایجاد کرده که منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی مختلفی شده است.

■ مشیری و آذرآباد (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی (مطالعه موردی روستای کمر از دهستان سیاه رود استان تهران» به بررسی مسائل مکان‌یابی صنعتی و آثار زیست‌محیطی صنایع روستایی پرداخته‌اند. محقق با توجه به تحقیقات خود به اثبات این فرضیه‌ها رسیده است که در سال‌های آتی دهستان سیاه رود به علت مجاورت با استان تهران به‌عنوان یک بازار مصرفی بزرگ، دارا بودن اراضی بکر و ارزان قیمت، مهاجرپذیر بودن منطقه و تأمین نیروی کار و رکود فعالیت‌های بخش کشاورزی شاهد گسترش روزافزون سوله‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک و بزرگ صنعتی خواهد بود. این صنعتی شدن خودجوش روستاهای دهستان سیاه رود و شکل‌گیری نواحی صنعتی مختلف همراه با شکل‌گیری شهرک ولیعصر، شهر جدید پردیس و بومهن و... به تدریج نقش و فرم چشم‌اندازهای روستایی کاسته شده و به سوی چشم‌اندازهای شهری و صنعتی گام برداشته است. ارتقاء شاخص کیفیت طبیعت زندگی و شاخص‌های توسعه انسانی، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، تغییر الگوی مصرف خانواده، کاهش فقر، جلب سرمایه‌های اندک، افزایش رفاه و تباین انسانی و سطح رضایت‌مندی و جلوگیری از روند مهاجرت از جمله پیامدهای مثبت استقرار این صنایع در مناطق روستایی بوده است.

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر از آنجایی که ایده اصلی، چارچوبی عمیق و نه سطحی به خود گرفته و همچنین تأکید بر ذهنیات افراد مورد مشارکت مد نظر است، روش کیفی انتخاب شده است. بدین معنا با توجه به ماهیت مسئله پژوهش حاضر که موضوعی تا حدودی ناشناخته است و اطلاعات و مطالعات چندانی درباره وضعیت زندگی افراد بعد از ورود پتروشیمی به منطقه مورد نظر موجود نیست و همچنین با در نظر داشتن منطق تبیین پژوهش که متکی بر پارادایم تفسیری است، روش‌شناسی کیفی جهت انجام این پژوهش انتخاب شده است و از انواع استراتژی‌های تحلیل، تحلیل تماتیک انتخاب شده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر از نوع مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است که با استفاده از مصاحبه عمیق و به‌وسیله سؤالات کلی سعی شده است داده‌ها جمع‌آوری شوند. جدا از مصاحبه پژوهشگر همواره اطلاعات میدانی که در روند اهداف تحقیق درخور توجه بوده‌اند، ثبت و یادداشت‌برداری کرده‌است. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، مراحل کدگذاری یعنی مشخص کردن کدهای اولیه درون‌متنی و سپس ساخت مقولات واسط و درنهایت به دست آوردن یا ساختن مضمون نهایی، صورت می‌گیرد. با توجه به نوع تحقیق، نمونه‌گیری مورد استفاده از نوع هدفمند می‌باشد که گاهی تحت عنوان نمونه‌گیری قضاوتی و حتی نمونه‌گیری نظری نامیده می‌شود. این روش انتخاب آگاهانه شرکت‌کننده‌های خاص توسط پژوهشگر می‌باشد. با گذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده می‌شود؛ زیرا در مراحل اولیه، بیشتر کشف مفاهیم و مقولات تازه و در مراحل بعد، عمق و غنا بخشیدن به این مقولات، مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که به اشباع نظری رسیده باشیم و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند (ذکائی، ۱۳۸۱: ۵۹). در تحقیق حاضر، نمونه از میان مردم بومی روستایی بخش مکریان غربی و واقع در محدوده پتروشیمی مهاباد که تجربه زیسته‌ای از تأثیرات پتروشیمی داشته‌اند، انتخاب شده است. با ملاک قرار دادن اشباع نظری بعد از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های هدفمند، ۲۱ نفر به‌عنوان نمونه نهایی تحقیق انتخاب شدند. پس از تهیه متن نوشتاری پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، فرایند بررسی محتوای داده‌های به‌دست‌آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها آغاز شد. هدف این فرایند کشف ارتباط درونی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده داده‌ها، دستیابی به قصد واقعی مصاحبه‌شونده، یافتن شرایط و محیطی که با داده‌ها مرتبط

است و در نهایت، ارائه نتایجی واقع‌بینانه است. همان‌گونه که گیلهام اشاره می‌کند، فرایند تحلیل داده‌ها شامل شناسایی گفته‌های اساسی و کلیدی و دسته‌بندی آن‌ها برحسب مقوله‌هاست (گیلهام، ۲۰۰۰: ۵۹) در بخش تحلیل برای دستیابی به فهم عمیق پیامدها و دستیابی به مقولات اصلی از روش تحلیل تماتیک در سه مرحله کدگذاری اولیه، متمرکز و محوری بهره گرفته شده است و در نهایت مقولات نهایی استخراج گردیده است.

جدول (۱): مشخصات مصاحبه شونده‌گان

ردیف	مصاحبه شونده	جایگاه	تحصیلات	محل زندگی
۱	زن ۳۰ ساله	خانه‌دار	پنجم	روستای توت آغاج
۲	زن ۶۰ ساله	خانه‌دار	بیسواد	روستای دریاس
۳	زن ۳۵ ساله	همسر یکی از مهاجران	دیپلم	روستای دریاس - مهاجر
۴	زن ۲۶ ساله	همسر یکی از مهاجران	لیسانس	روستای دریاس - مهاجر
۵	زن ۴۰ ساله	خانه‌دار	بیسواد	روستای دارلک
۶	زن ۲۶ ساله	خانه‌دار	لیسانس	روستای قم قلعه
۷	زن ۳۷ ساله	خانه‌دار	پنجم	روستای خورخوره
۸	مرد ۳۰ ساله	کارگر پتروشیمی	دیپلم	روستای دریاس
۹	مرد ۳۸ ساله	دهیار	دیپلم	روستای دریاس
۱۰	مرد ۵۵ ساله	خرده کشاورز	پنجم	روستای خورخوره
۱۱	مرد ۶۵ ساله	کشاورز و باغدار	بیسواد	روستای دریاس
۱۲	مرد ۲۸ ساله	کارگر پتروشیمی	دیپلم	روستای دارلک
۱۳	مرد ۳۲ ساله	بیکار	لیسانس	روستای دارلک
۱۴	مرد ۳۰ ساله	خرده کشاورز	فوق لیسانس انصرافی	روستای قم قلعه
۱۵	مرد ۷۰ ساله	کشاورز	بیسواد	روستای توت آغاج
۱۶	مرد ۴۵ ساله	شورا	دیپلم	روستای توت آغاج
۱۷	مرد ۲۵ ساله	بیکار	لیسانس	روستای خورخوره
۱۸	مرد ۳۶ ساله	راننده	راهنمایی	روستای قره‌قشلاق
۱۹	مرد ۲۹ ساله	کارگر	راهنمایی	روستای قره‌قشلاق
۲۰	مرد ۲۷ ساله	کارگر پتروشیمی	سیکل	روستای دریاس - مهاجر
۲۱	مرد ۳۰ ساله	کارگر پتروشیمی	فوق دیپلم	روستای دریاس - مهاجر

### یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق کلیه اطلاعات میدانی (اعم از مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی و تجارب نویسنده) مورد تحلیل سطر به سطر واقع شده است. بدین معنا که واحد تحلیل در این تحقیق سطر می‌باشد. بعد گذراندن دو مرحله کدگذاری باز (کدبندی اولیه و متمرکز) و کدگذاری محوری در حوزه اقتصادی مجموعاً ۳۶ مفهوم بدست آمده است که ذیل ۱۲ مقوله صورت بندی شدند. در بخش فرهنگی تعداد ۲۰ مفهوم در ذیل ۶ مقوله عمده تنظیم شده است. در ادامه بعد از آوردن کلیه مفاهیم و مقولات بدست آمده به تفکیک حوزه پیامدی، هر یک از مقولات با نقل قول مستقیم تشریح خواهد شد.

جدول (۲): مفاهیم و مقولات استخراج شده در حوزه اقتصادی

کدگذاری اولیه (سطح اول و متمرکز)	کدگذاری محوری
افت درآمد- تفاوت درآمد بین بومی‌ها و غیربومی‌ها- افزایش بیکاری ناشی از فروش زمین به پتروشیمی- اجبار مردم به واگذاری زمین- سلب مالکیت زمین- خرید زمین در مکانی دیگر- بیکاری فارغ‌التحصیلان در رشته‌های مرتبط- اندک استخدامی نیروی کار بومی در پتروشیمی- به کارگیری موقت نیروی کار بومی- اخراج مردم بومی و جایگزین کردن افراد غیربومی- پایین بودن رده شغلی افراد بومی- استخدام افراد بومی در مشاغل غیرتخصصی یا رده پایین- عدم بکارگیری نیروی کار از روستاهایی نزدیک به پتروشیمی- خرید زمین برای ساخت مسکن- خرید ماشین باری- کاهش زمین و در نهایت کاهش دامداری- خرج شدن پول دریافتی در ازای زمین در ساختن خانه، لوازم منزل و خرید ماشین‌های سنگین- دلخوشی به ایجاد صنایع پایین دستی- نگرانی از کمبود آب‌های کشاورزی و باغی- رضایت از کار افراد مشغول به کار در پتروشیمی- شریک شدن باربری با مدیران و صاحبان پتروشیمی- واگذاری باربری به فردی غیربومی- تقسیم نصف به نصف کرایه بار توسط ماشین‌داران و باربری‌ها- دادن بار به ماشین‌هایی که از جنوب بار می‌آورند با هزینه‌ای کمتر- طایفه‌گری در استخدامی- قائم کردن افراد غیربومی به هنگام بازرسی- لزوم پارتی و لینک برای استخدام در پتروشیمی- مزیت‌های طرح نصیب غیربومی‌ها، پیمانکاران و صاحبان خصوصی پتروشیمی می‌شود- بیکاری شدید در روستاها- کاهش آب‌های کشاورزی و اختصاص این آب‌ها به پتروشیمی- عدم ایجاد فرصت اشتغال برای زنان روستایی- ایجاد اشتغال برای معدود افرادی- کسب درآمد از اجاره دادن خانه‌ها- کسب مهارت‌های تازه توسط مردم در جریان کار- رونق اندکی از مشاغل به صورت غیرمستقیم- تجارب کاری بیشتر.	نابرابری اقتصادی کاهش درآمد افراد بومی تغییر در مالکیت زمین عدم به کارگیری نیروهای بومی چالشی شدن معیشت ناشناختگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن طرح برای مردم رانت کاری در پتروشیمی عدم انتفاع مردم بومی از طرح تبعیض جنسیتی در نیروی کار افزایش درآمد، تجارب و مهارت‌های برخی از مردم

منبع: یافته‌های تحقیق

### نابرابری اقتصادی و کاهش درآمد افراد بومی

با اجرای طرح زمین‌های کشاورزی زیادی در حدود ۱۵۰ هکتار و ۹۰ هکتار دیگر که مرتع بوده است به پتروشیمی تبدیل شده است و این امر موجب بیکار شدن عده‌ای از مردم بومی بود که بر زمین‌های کشاورزی چه به صورت ملکی و چه به صورت کارمزدی کار می‌کردند، شده‌است و از طرف دیگر نابرابری‌هایی در روستاهای اطراف طرح به وجود آمد بدین صورت که عده‌ای سرکار رفتند و عده‌ای دیگر نتوانستند. طبیعی است کسانی که توانستند کار پیدا کنند در وضعیت بهتری قرار گرفتند. «قبل از احداث پتروشیمی آن زمین‌ها در اختیار مردم بودند/ مرد ۳۰ ساله»؛ «۱۵۰ هکتار این زمین‌ها جزو مالکیت خصوصی افراد روستای دارلک بود و نه مال دولت بود و نه هیچ ارگان دیگری. مردم داشتند روی این زمین‌ها تأمین معاش می‌کردند ولی این‌ها آمدند و تحت هر شرایطی و هر طور شده مردم را قانع کردند و گفتند ما پتروشیمی احداث خواهیم کرد و مردم را استخدام خواهیم کرد، چون این زمین‌ها از اراضی روستای دارلک است، حداکثر نیرو خود را از روستای دارلک تأمین خواهیم کرد، چه نیروی ماهر و چه نیروی غیرماهر. ولی متأسفانه خلاف این عمل کردند. ما آنجا نیروی کارگر در حد ۱۰ الی ۱۲ نفر داریم/ مرد ۴۵ ساله». به طور کلی می‌توان گفت؛ ایجاد پتروشیمی باعث کاهش درآمد مردم که ناشی از کار بر روی زمین کشاورزی بوده است شده، علاوه بر آن بیکاری همراه با نابرابری اقتصادی افراد بومی را در مقابل کارگران غیربومی پتروشیمی به وجود آورده است.

### تغییر در مالکیت زمین

با از دست دادن مالکیت زمین‌ها مردم مبلغی پول دریافت کرده و بدین وسیله در مواردی زمین‌های دیگر را در اطراف خریداری کرده‌اند. مردم دیگر صاحب این زمین‌ها نیستند. این زمین‌ها با رضایت کامل مردم واگذار نشده است و به امید اینکه سرکار بروند و دیگر اینکه با مبلغی نسبتاً خوب برای آن زمان، به پتروشیمی واگذار شده‌اند. «بله پول دریافت کرده‌اند. آن زمان مبلغی خوب هم دریافت کرده‌اند ولی خواه‌ناخواه این زمین‌ها با رضایت قلبی این مردم نبوده، بدین معنا که مردم نگفته‌اند که برای اجرای این طرح من زمین را تقدیم خواهم کرد؛ کار به جایی رسید که شعبه‌ای در دادگاه به کسانی اطلاق گرفت که زمین نمی‌دهند. اگر زمین را می‌دهند که می‌دهند، در غیر این صورت باید در دادگاه حضور پیدا کنند/ مرد ۳۰ ساله» تغییر مالکیت زمین در روستا می‌تواند تأثیرات

زیادی به دنبال داشته باشد برای مثال هرچه از میزان زمین و مراتع کاسته شود فضای کمتری برای دامداری سنتی وجود خواهد داشت و از میزان کار کشاورزی هم کاسته خواهد شد. «مرد ۶۵ ساله: کارهای کشاورزی بسیار کم شده است چون زمین‌های را کم کرده‌اند» یکی دیگر از مشارکت کنندگان می‌گوید؛ «پتروشیمی موجب کاهش دام و محصولات ما شده است چراکه این زمین‌های پتروشیمی چراگاهی بزرگ برای دام‌ها بود/ زن ۶۰ ساله». در ارتباط با این مقوله می‌توان گفت؛ وقتی افراد مجبور به تسلیم زمین‌هایشان شدند و در مقابل مبلغی را هم دریافت کردند، اقدام به خرید زمین‌های دیگر در نقاط دیگر، ساخت خانه، خرید اثاثیه منزل، خرید ماشین باری و غیره کردند. مردم در حدود ۱۵۰ هکتار از ۲۴۰ هکتار پتروشیمی را تسلیم کرده و در بسیاری موارد ناچار به تغییر شغل شده بودند.

### عدم به کارگیری نیروی بومی

شاید «عدم به کارگیری نیروی بومی» به همراه زیر مقوله‌هایش یکی از مقوله‌هایی باشد که بیشترین نارضایتی را در بین مردم بومی برانگیخته است. تعداد بسیار اندکی از نیروی کار بومی توانسته‌اند در پتروشیمی استخدام شوند تعداد این افراد در چند روستا به ۱۰ تا ۱۲ نفر می‌رسد و در روستاهای دیگر حتی کمتر هستند. برای مثال در یکی از روستاهای چسبیده به پتروشیمی حتی یک نفر هم سرکار نرفته است. مشارکت کنندگان در ارتباط با این مقوله بیان می‌کردند؛ «مرد ۳۰ ساله: ما در پتروشیمی حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر نیروی کارگر داریم». «زن ۳۵ ساله: هیچ‌کسی از روستای ما در پتروشیمی استخدام نشده است». افراد بسیار زیادی در روستاهای چسبیده به پتروشیمی وجود دارد که تحصیلات مرتبط با پتروشیمی دارند ولی آنجا نتوانسته‌اند استخدام شوند. افرادی که رشته‌های شیمی، تأسیسات، پلیمر و غیره خوانده و نتوانسته‌اند در پتروشیمی مشغول به کار شوند. «مرد ۴۰ ساله: پسر من دارای مدرک کارشناسی شیمی است و اکنون در مرغداری کار می‌کند. البته این تنها لیسانس شیمی روستای ما نیست و ما چند نفر دیگر هم با این وضعیت داریم». تعدادی دیگر از افراد کسانی هستند که در بخش کارگری مرحله ساخت پتروشیمی مشغول به کار بوده ولی با تمام شدن این مرحله از کار این افراد هم دوباره بیکار شدند. در همین زمینه و از جمله کارهای موقت برای افراد، مشاغل موقتی موجود هستند که هرازگاهی چند نفر را به‌طور موقت به خدمت می‌گیرد و طبیعتاً بعد از اتمام کار دوباره بیکار خواهند شد. یا افراد دیگری هستند که در مشاغل دون‌پایه در حال کار هستند. آن‌ها مشغول نگهداری، آبدارچی، نظافت، آشپزی، کارگری‌های ساده و غیره هستند. کارهای سطح بالا نظیر کارهای مدیریتی که دارای حقوق و مزایا و شأن اجتماعی بالا هستند اصلاً نصیب مردم بومی نشده است. حتی در مواردی رسته کاری آن‌ها هم بدون هیچ دلیلی پایین آمده است. افراد مورد مصاحبه به انواع مختلف بیان می‌کردند که؛ «... همین‌که هیچ مقام بالای بومی در پتروشیمی وجود ندارد/ مرد ۶۵ ساله». «یکی از آن سه نفری که در پتروشیمی کار می‌کند از زمان کلنگ زنی طرح آنجا نگهداری است. یکی دیگر هم در حراست کار می‌کرد که اکنون آنجا هم نمانده و مشغول کارهای نظافتی است/ مرد ۴۵ ساله». روی هم‌رفته این مقوله بیان می‌کند؛ حتی کسانی که تحصیلات مرتبط دارند هم نتوانسته‌اند استخدام شوند حتی برخی با برنامه‌ریزی پیش‌رفته‌اند و رشته‌های مرتبط خوانده‌اند تا استخدام شوند.

### چالشی شدن معیشت

معیشت مردم روستا به زمین‌ها و دام‌هایشان وابسته است که البته زمین نقش حیاتی‌تری دارد چون اگر زمین‌ها نباشند دیگر دامداری هم امکان‌ناپذیر خواهد شد. وقتی زمین کم شود، مردم سراغ معیشت‌های جایگزین خواهند گشت که این امر شاید در مواردی به مشاغل بینجامد که حتی سنخیتی با روستا هم نداشته باشد. مردم روستای دارلک با دریافت زمین بابت زمین‌هایشان، دنبال معیشت‌های جایگزین شدند. بخصوص برای افرادی که حدود ۱۷ هکتار زمین به پتروشیمی داده بودند. این مردم در واقع معیشت خود را فروخته بودند چون با کاهش زمین طبیعی بود که کاهش دام هم رخ بنماید. به‌رحال هر کدام پول‌های دریافتی از زمین را به نحوی خرج کردند، بدین گونه که دوباره زمین کشاورزی خریدند، ماشین باری خریدند، خانه ساختند، وسایل منزل خریدند و غیره. از همه مواردی که مردم با این پول انجام داده‌اند تنها خرید دوباره زمین کشاورزی است که متناسب با معیشت روستایی است و بقیه موارد

کاملاً متفاوت از معیشت متناسب با روستا است. بدین ترتیب در بلندمدت روستا دچار بحران خواهد بود و قطعاً در روستا بیکاری رخ خواهد نمود، سبک زندگی روستا متحول خواهد شد و بسیاری دیگر از تغییرات که شاید نامطلوب باشند. در کل دریافت پول زمین‌ها نتوانسته معیشت متناسب را در روستا ادامه‌دار کند. کسانی که ماشین باری خریده‌اند دیگر روستا برایشان تبدیل به خوابگاه خواهد شد، کسانی که منزل‌های سبک امروزی ساخته‌اند دیگر نمی‌توانند به دامداری بپردازند و به همین ترتیب. این گونه است که معیشت روستا با دست‌کاری نامتناسب روبرو خواهد بود. یکی از افراد مورد مشارکت بیان می‌کرد: «مردم با پول‌هایی که گرفتند سرمایه‌گذاری کردند؛ بعضی با آن از نو زمین خریداری کردند؛ در ساخت خانه و این مسائل خرج شدند. مبلغ کمی نبود ولی آن‌چنان که عرض کردم، بزرگ‌ترین مشکل و دغدغه ما این بود که این زمین‌هایی که از دست مردم خارج می‌شود، مردم را هم سر کار ببرند/ مرد ۴۵ ساله». «کشاورزانی هستند که با این پول‌ها ماشین سنگین خریداری کرده‌اند / مرد ۳۶ ساله». «اگر ما هنوز آن ۳ هکتار را داشتیم شاید بسیار بیشتر از مبلغی که گرفتیم در هر سال درآمد داشتیم/ زن ۲۶ ساله». به طور کلی با خرید زمین‌های کشاورزی از مردم و پرداخت پول به آن‌ها مردم این پول‌ها را در مسیرهایی جدا از روند معیشت قبلی خویش خرج کردند.

### ناشناختگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن طرح برای مردم

در واقع مردم از قبل هم اطلاعات زیادی درباره طرح نداشته‌اند و این امری طبیعی است چراکه این نوع طرح‌ها تاکنون در منطقه نمونه نداشته‌است. این امر در مواردی نگرانی بیش از اندازه و در مواردی هم خوش‌بینی ایجاد کرده است که البته خوش‌بینی‌ها مربوط به امید استخدام در صورت ایجاد صنایع پایین‌دستی پتروشیمی است؛ و نگرانی‌ها بیشتر محیط‌زیستی و تأثیر معیشتی است. مردم به‌واقع مطمئن نیستند که پتروشیمی تا چه اندازه می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی داشته باشد و یا اینکه تا چه اندازه می‌تواند تأثیر منفی بر باغات و کشاورزی آن‌ها چه در قالب آلودگی و چه در قالب کاهش آب داشته باشد. هرکسی را نگرانی‌ها و امیدواری‌هایی است. دیگر اینکه برخی به شدت ناراضی هستند و برخی دیگر با امید به استخدام ناراضی‌شان کم‌تر از بقیه است. نکته جالب اینکه برخی از مردم هنوز موضعی نگرفته‌اند و در هیچ جبهه‌ای قرار نگرفته‌اند و نه از طرح راضی و نه ناراضی هستند. افراد مشارکت‌کننده ذکر می‌کردند: «مرد ۲۵ ساله ذکر می‌کند؛ چون دو سال است که پتروشیمی دست‌به‌کار شده است و تا یک سال قبل چنان وارد خط تولید نشده بود مردم چنان فکر آلودگی نیستند»؛ «مرد ۳۲ ساله ذکر می‌کند؛ اکنون هم خیلی بدبین بین نیستیم ولی امید چنانی هم نداریم». «مرد ۲۸ ساله بیان می‌کند؛ تاکنون این طرح منفعتی برای منطقه ما نداشته است و به‌واقع نمی‌توانم بگویم که این طرح خواهد توانست مفید باشد یا نه. من تاکنون چیز آن‌قدر قابل توجهی ندیده‌ام که بر من تأثیر بگذارد و نتیجه‌گیری کنم». به طور کلی مردم در مواردی احساس نگرانی و در مواردی امید، در مواردی احساس ناراضی و در مواردی چشم‌به‌احداث فازهای پایین‌دستی پتروشیمی دارند.

### رانت کاری در پتروشیمی

با نبود نظارتی کارا، امکان به وجود آمدن رانت و دور زدن قانون برای هر پروژه و طرحی وجود خواهد داشت. به دلیل وجود زمینه‌های سودجویی و پارتی‌بازی در بطن جامعه ما همیشه این امکان می‌رود که سوءاستفاده از پروژه‌ها صورت بپذیرد. البته در برخی مواقع این عدم وجود ضوابط است که موجبات را فراهم می‌کند. در پتروشیمی مهاباد با واگذار شدن پتروشیمی به بخش خصوصی یا پیمانکاران خصوصی زمینه برای رانت کاری مهیا شده است و این رانت در گوشه گوشه منابع درآمدی پتروشیمی رخنه کرده است. بحث ما اینجا بررسی این رانت‌ها نیست بلکه آثار سوئی که این رانت‌ها به دنبال دارند می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، و غیره ایجاد کند. مردم گلایه‌مندان به این مسائل اشاره می‌کنند و ابراز ناخرسندی می‌کنند. «مرد ۴۸ ساله/ استفاده را برخی دیگر می‌برند و ضرر و زیانش را ما متحمل می‌شویم. مردم از تبریز گرفته تا اهواز می‌آیند و اینجا کار می‌کنند یا بار می‌برند؛ یارو در تبریز باربری دارد، از آنجا حواله را به اینجا می‌فرستد، چرا باید این‌طور باشد؟! یا آقای ک. م؛ که واقعاً ظلم به ماشین‌داران می‌کند، نصف به نصف از ماشین‌دار پول می‌گیرد»؛ «مرد ۳۲ ساله ذکر می‌کند؛ در ابتدا بسیار خوش‌بین بودیم و به امید این بودیم که

آنجا استخدام شویم و به همین دلیل هم شیمی خواندم ولی بند پ به ما اجازه نداد». با واگذار شدن پتروشیمی به بخش خصوصی یا پیمانکاران خصوصی زمینه برای رانت کاری مهیا شده است و این رانت در گوشه گوشه منابع درآمدی پتروشیمی رخنه کرده است. برای مثال مدیران و صاحبان پتروشیمی حتی در بخش باربری هم شریک هستند. برای استخدام افراد هم کسانی را استخدام می کنند که پول کمتر بگیرد و تا حد امکان با واسطه یا بی واسطه آشنا باشد.

### عدم انتفاع مردم بومی از طرح پتروشیمی

چنانچه قبلاً هم ذکر شد، زمین یک نقش اساسی در روستاها ایفا خواهد کرد. روستایی در درجه اول به زمین وابسته است و با از دست دادن زمین سرنوشت روستایی عوض می شود. پتروشیمی زمین های مردم را اشغال می کند و در مقابل آن قول استخدام نیروی کار بومی را می دهد. شاید گرفتن زمین از مردم خود آغازگر مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم باشد اما بدون شک این مشکلات با عدم به کارگیری نیروی کار بومی تشدید خواهد شد. بدین معنی که مردم دیگر صاحب زمین هایشان نیستند و از این طرف نتوانسته کار دیگری هم پیدا کنند. وقتی در یک روستا این حجم از زمین نقصان می یابد بدون تردید فقط صاحب زمین نیست که متأثر می شود بلکه افراد دیگری هم که به طور مستقیم و غیرمستقیم از این زمین ها ارتزاق می کردند، متأثر هستند. این موارد همه به جای خود و مسئله ای دیگر هم مضاف بر آن و اینکه در اثر کم آبی آب کشاورزان را کم کرده و به پتروشیمی داده اند. بدین صورت می توان خلاصه کرد که زمین ها از مردم گرفته شده، مردم هم استخدام نشده اند و اکنون بیکاری بالا رفته و در نهایت آب کشاورزی این مردم هم کم شده است. بدین ترتیب مزایای اقتصادی طرح پتروشیمی علیرغم تحمل هزینه ها نصیب مردم بومی نشده است و افرادی که هیچ هزینه ای نداده اند از طرح منتفع شده اند. افراد مورد مصاحبه این طور بیان می کنند. «مرد ۶۵ ساله؛ آب این طرح از سد مهاباد می آید و زمین های ما زیر شبکه قرار دارند و آب ما را هم کم کرده اند». «مرد ۴۰ ساله؛ هیچ کسی سود نبرده است، مگر کارگران موقت یا بسیار محدود کسانی که خانه هایشان را با قیمتی بسیار نازل اجاره داده بودند». مردم بومی خود را متضرر دانسته و پتروشیمی را به هیچ وجه مفید قلمداد نمی کنند.

### تبعیض جنسیتی در نیروی کار

پتروشیمی دارای کارهایی متناسب با زنان است و این کارها می تواند برای زنان تحصیل کرده و تحصیل نکرده باشد. علیرغم جمعیت فراوان زنان تحصیل کرده روستایی هیچ زن روستایی در پتروشیمی استخدام نشده است. زنانی هستند که در پتروشیمی کار می کنند اما همان طور که ذکر شد، هیچ کدام از روستاهای دوروبر پتروشیمی نبوده اند. یکی از افراد مورد مشارکت می گوید؛ «نه ما زنی را نداریم که آنجا کار کند. با وجود دختران تحصیل کرده فراوان ولی هیچ زنی آنجا بکار گرفته نشده است/ مرد ۶۵ ساله». «مرد ۳۲ ساله: از هیچ کدام از روستاهای دوروبر طرح زنی استخدام نشده است، در هیچ گونه سمتی»

### بالا بردن درآمد، تجارب و مهارت های برخی از مردم

با آمدن پتروشیمی برخی از مردم توانسته اند استخدام شوند و از کارشان راضی باشند، برخی توانسته اند خانه های خالی خود را اجاره بدهند و بدین ترتیب کسب درآمد کنند، برخی توانسته اند به واسطه کار در پتروشیمی مهارت های کاری کسب کنند و تجارب کاری خود را بالا ببرند و برخی دیگر هم به طور غیرمستقیم از پتروشیمی منتفع شوند. مثال برای این نمونه آخر می تواند مغازه داری باشد که مشتریانش در پتروشیمی کار می کنند یا کشاورزی که محصولات ارگانیک خود را بغل جاده گذاشته و کارکنان پتروشیمی از او خرید می کنند. «مرد ۲۸ ساله، من از کار کردن در آنجا راضی هستم و درآمد ثابت و قابل قبولی دارم. زمانی که آنجا استخدام شدم اصلاً کار را بلد نبودم ولی الان خیلی خوب راه افتاده ام». «مرد ۳۲ ساله: هم درآمد من بالا رفته و هم تجاربم بیشتر شده».

جدول (۳): مفاهیم و مقولات استخراج شده در حوزه اقتصادی

کد گذاری اولیه (سطح اول و متمرکز)	کد گذاری محوری
ورود زبان، فرهنگ و مذهب متفاوت - عدم حمایت پتروشیمی از تیم والیبال - عدم ایجاد امکانات رفاهی - رد پیشنهاد تقاضای اسپانسر کردن تیم فوتبال از طرف پتروشیمی - عدم به کارگیری ارزش افزوده پتروشیمی در امور فرهنگی منطقه - عدم آموزش افراد - عدم آشنایی افراد بومی با امور پتروشیمی - ناخوشایندی کار در پتروشیمی برای عده‌ای از مردم - عدم تطبیق طرح با سلیقه کاری مردم - ول کردن کار توسط عده‌ای از مردم - دوام نیاوردن افراد در مشاغل پتروشیمی - ارزیابی منفی پتروشیمی و نامفید دانستن آن - غیر ضروری تلقی کردن پتروشیمی - روحیه بدبینی در بین مردم - کاشته شدن نهال بی‌اعتمادی - دنبال پارتی و لینک گشتن افراد جهت استخدام - همنوایی با همکاران و همسایگان جدید - یاد گرفتن زبان‌های جدید - آشنایی دیگران با فرهنگ مردم بومی	ناهمگنی فرهنگی پتروشیمی نظر به جبران مافات فرهنگی ندارد عدم وجود زیرساخت‌های متناسب با پتروشیمی تغییر در باورهای فرهنگی مردم آشنایی با فرهنگ‌های جدید انتشار فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق

### ایجاد ناهمگنی فرهنگی

مردم بومی این منطقه همه اهل تسنن هستند و با زبان کوردی سورانی تکلم می‌کنند، همه دارای یک فرهنگ مشترک هستند اما افرادی از اقصی نقاط ایران برای کار در پتروشیمی به برخی از روستاهای اطراف طرح، بخصوص دریاس، مهاجرت کرده‌اند و اغلب دارای زبان و مذهب متفاوت از مردم بومی هستند. این افراد از لحاظ زبانی، اغلب فارس، ترک هستند و البته برخی دیگر از اقوام هم به طور جزئی وجود دارند و از لحاظ مذهبی هم شیعه مذهب هستند. این افراد اغلب دارای تفاوت‌های زبانی، مذهبی یا هر دو می‌باشند. ناگفته نماند که تعداد این افراد چنان زیاد نیست که بتواند یک تغییر فرهنگی ایجاد کند اما در مواردی احتمالاً تقابلاتی را پیش خواهد آورد. مشارکت کنندگان در این باره بیان می‌کنند: «مرد ۳۸ ساله / پتروشیمی مهاجرت‌ها را به این روستا بیشتر کرده است و از شهرها و استان‌های دیگر مردم به این روستا مهاجرت کرده‌اند»؛ «مرد ۴۰ ساله: بله افرادی در روستای ما مستأجر هستند. ولی در دریاس این موارد بیشتر هستند. در روستای ما هم گروه‌های ۷ و ۸ نفره می‌آمدند و خانه اجاره می‌کردند. اکثراً مجرد بودند، البته ۲ خانواده هم در این بین بودند». افراد تازه وارد به محیط روستا با خود فرهنگ دیگری را بدک می‌کشند که می‌تواند موجبات ناهمگنی فرهنگی و مشکلات متعاقب آن را فراهم کند.

### پتروشیمی نظر به جبران مافات فرهنگی ندارد

از زمان اجرای طرح هیچ امکانات فرهنگی بیشتری به منطقه داده نشده است و جاده‌ای هم آسفالت یا حتی ترمیم نشده است. چنانکه معلوم شده است پتروشیمی هیچ برنامه فرهنگی ندارد. بدین ترتیب که چندین بار پیشنهاد مردم بومی را مبنی بر اسپانسر کردن تیم ورزشی چون فوتبال، والیبال و غیره را رد کرده است. هیچ کلاس آموزشی هم برای تربیت نیروی کار ایجاد صورت نداده است. هیچ مقدار از ارزش افزوده این طرح برای منطقه در هیچ اموری خرج نشده است من جمله فرهنگی. بدین ترتیب می‌توان گفت که پتروشیمی برنامه‌ای فرهنگی ندارد و اصلاً قرار نیست اقدامی برای منطقه انجام دهد. «مرد ۴۵ ساله در این باره می‌گوید؛ من شاهد هیچ کار فرهنگی یا عام‌المنفعه برای منطقه نبوده‌ام»؛ «مرد ۳۲ ساله / از پتروشیمی خواستند که اسپانسر یک تیم والیبال یا فوتبال شود که موافقت نکرد. هیچ‌گونه اقدامی نشده است. ناگفته نماند که یکبار دیگر هم این پیشنهاد را رد کرده‌اند». علیرغم اینکه از زمان اجرای طرح هیچ امکانات فرهنگی به منطقه اجرای طرح داده نشده، طرح هم هیچ کار فرهنگی - آموزشی در منطقه انجام نداده است و به تمام پیشنهادات مردم که به امور فرهنگی مربوط بوده جواب منفی داده است.

### عدم وجود زیرساخت‌های متناسب با پتروشیمی

پتروشیمی از لحاظ فرهنگی سنخیتی با منطقه ندارد، مردم به هیچ وجه با امور پتروشیمی آشنایی ندارند و البته چیزی عجیب نیست چون مردم اصلاً آموزشی درباره پتروشیمی ندیده‌اند. عدم سنخیت طرح از لحاظ فرهنگی را می‌توان چنین توضیح داد که سلاقی

کاری مردم زمین تا آسمان با امور پتروشیمی متغیر است. بطوریکه عده‌ای از مردم از کار در پتروشیمی ابا می‌کنند و ابراز می‌کنند که نمی‌توانند وارد چنین کارهایی شوند که به فرض از ۷:۳۰ صبح تا ۷:۳۰ شب باشد و سه روز سه روز یکبار عوض شود؛ یعنی سه روز شیفت صبح، سه روز شیفت شب و سه روز استراحت؛ و دیگر اینکه مردم از نوع کار خوششان نمی‌آید و در مواردی آنرا چون زندان وصف کرده‌اند. این موارد طبیعی به نظر می‌رسد چراکه مردم به شیوه معیشت خود احاطه دارند و بدان خو گرفته‌اند. تخصص مردم بومی در مشاغلی مانند کشاورزی، دامداری، و غیره است و تجارب فرهنگی و کاری مردم متفاوت از پتروشیمی است و از قبل هیچ تلاشی برای زمینه‌سازی و آمادگی برای این طرح صورت نگرفته‌است و بدین ترتیب مردم بومی هیچ گونه آشنایی قبلی با نوع کارهای پتروشیمی ندارند. «مرد ۲۸ ساله / ما این کارها را انجام نداده‌ایم. برخی اصلاً این کارها را دوست ندارند». «مرد ۳۰ ساله نیز بیان می‌کند؛ اغلب کار پتروشیمی را دوست ندارند. اکثر این‌گونه هستند و تمایل زیادی به انجام چنین کارهایی ندارند». روی هم رفته این مقوله بیان می‌کند، تخصص مردم بومی در مشاغلی مانند کشاورزی، دامداری، و غیره است و تجارب فرهنگی و کاری مردم متفاوت از پتروشیمی است. ناگفته نماند که از قبل هیچ تلاشی برای زمینه‌سازی و آمادگی برای این طرح صورت نگرفته‌است.

### تغییر در باورهای فرهنگی مردم

با ایجاد پتروشیمی و برآورده ساختن انتظارات، تغییراتی در باورهای فرهنگی مردم بومی به وجود آمده‌است. برخی از این تغییرات سودجویانه بوده و برای استخدام و کار پیدا کردن هستند که با توسل به پارتی و رشوه انجام می‌پذیرد. اینان کسانی هستند که فکر می‌کنند تمام کسانی که سر کاررفته‌اند، از واسطه و رشوه کمک گرفته‌اند و تنها راه استخدام خود را هم همین می‌بینند. چنانکه برخی خودشان بر این امر صحنه می‌گذارند. البته بسیاری از این افراد حتی بدین شیوه هم موفق به این کار نشده‌اند. مردم بومی به شدت ناامید از طرح هستند و آن را منفی و نامفید تلقی می‌کنند، در مورد بسیاری از امور مربوط به پتروشیمی بدبین هستند که البته این بدبینی می‌تواند به جوانب دیگر زندگی آن‌ها هم منتقل شود. همچنین بی‌اعتمادی در میان مردم افزایش یافته‌است. همه این تغییرات در باورهای فرهنگی افراد شاید نه به‌طور کلی اما همچنان که در بالا ذکر شد منشأشان از انتظاراتی بود که برای مردم درست شد و برآورده نشد. «مرد ۲۹ ساله: بعضاً از راه آشنا و پارتی هم اقدام کرده‌ایم که جایی برای کار کردن مردم فراهم شود؛ اما متأسفانه نتیجه‌ای نگرفته‌ایم». «مرد ۴۰ ساله: واقعیت امر اینکه من ۳ سال است رزومه پسر خود را آنجا گذاشته‌ام و باوجود سفارش کردن‌ها هم نتوانسته‌ایم پسر را آنجا استخدام کنیم». فرهنگ بومی منطقه تا حدی بری از بسیاری نادرستی‌ها مانند پارتی‌بازی، بدبینی، ناامیدواری و غیره بوده‌است، اما اکنون این جنبه‌ها وارد فرهنگ بومی منطقه شده‌است.

### آشنایی با فرهنگ‌های جدید

مردم بومی باهمنوایی باهمسایگان و همکاران جدید خود که از فرهنگ‌های زبانی، قومی و مذهبی متفاوتی هستند می‌توانند با فرهنگ‌های جدید آشنا شده و دامنه دانش فرهنگی خود را بالا ببرند و در مواردی زبان این افراد را هم بیاموزند. «مرد ۳۸ ساله اظهار می‌کند که رابطه‌ی خوبی با همسایگان جدید خودشان دارند»؛ «مرد ۳۲ ساله اظهار می‌کند که زبان آذری را از همکاران خود یاد گرفته‌است»؛ «زن ۲۶ ساله: ما با همسایگان جدیدمان رابطه‌ای خوب داریم».

### انتشار فرهنگی

یکی از فرصت‌هایی که پتروشیمی ایجاد کرده‌است، کمک به انتشار فرهنگ بومی غنی مردم مکریان است. افرادی که به هر روشی، چه برای کار در پتروشیمی، چه برای حمل بار و غیره که البته با واسطه قرار گرفتن پتروشیمی به این منطقه آمده‌اند، تا اندازه‌ای با فرهنگ مردم بومی آشنا شده‌اند و پی به اصالت این مردم برده‌اند و اکنون از زیبایی‌های آن برای دوستان و هم‌فرهنگان خود تعریف می‌کنند. در مواردی باعث شده‌است که به همراه خانواده و دوستان خود دوباره به این منطقه بیایند و ابراز کنند که از فرهنگ و اصالت این مردم لذت می‌برند. «مرد ۴۰ ساله: اصلاً باور نمی‌کردم که با مردمی تا این اندازه با صلح و صفا برخورد»؛ «زن ۳۰

ساله: من اصلاً احساس غریبی نمی‌کنم و چیزهای بسیار زیادی از این مردم یاد گرفته‌ام. همیشه از خوبی‌های اینجا برای دوستان و اقوام سخن گفته‌ام.» «مرد ۳۰ ساله لباس کوردی هم برای خودم و هم برای همسرم گرفته‌ام».

### نتیجه‌گیری

با ایجاد تغییرات در هر جامعه می‌توان انتظار تأثیرات مثبت، منفی و خواسته، ناخواسته را داشت. زمانیکه طرح هم‌نوا با مردم بومی باشد و از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی دارای همانندی باشد، شاید این تأثیرات بیشتر مطلوب به نظر بیاید؛ اما زمانیکه طرح با مردم بومی ناهمخوان است، شاید راحت بتوان منتظر تأثیرات و پیامدهای نامطلوب بود. چراکه عدم وجود زمینه برای ایجاد تغییرات می‌تواند به تأثیرات ناخواسته منجر شود و هرگز به تأثیرات مطلوب منجر نشود. ایجاد پتروشیمی مهاباد را شاید بتوان با قدرت در در زمره آن دسته از طرح‌هایی قرارداد که فاقد هم‌نوایی با اجتماع محلی ایجادشده در آن است. طبیعتاً این تأثیرات در مقاطع مختلف زمانی متغیر و متفاوت خواهند بود. پتروشیمی مهاباد در زمان احداث نیاز به زمین داشته و این زمین را از مردم دریافت کرده است. این زمین‌ها در حدود ۱۵۰ هکتار بوده و جزو اراضی دیم کشاورزی روستای دارلک بوده است. تأثیرات پتروشیمی را شاید بتوان از زمانی که مردم را برای دادن این زمین‌ها راضی، راغب یا مجبور می‌کردند شروع شده باشد. آن هنگام که با آن وعده همه مردم بومی سرکار خواهند رفت و برای تمام قسمت‌های کار از نیروی بومی استفاده خواهد شد. شاید تعدادی از امیدواری‌ها و نگرانی‌ها آن زمان شروع شده باشد. امیدواری به استخدام در پتروشیمی و نگرانی از دست دادن زمین، متعاقباً زمانی که زمین‌ها به پتروشیمی تحویل داده شده و در قبال آن پول دریافت شده است. مردم با از دست دادن این زمین‌ها، پول نصیبشان می‌شود بدین معنی که صاحبان این زمین‌ها پول دریافت کرده‌اند و کسانی که روی این زمین‌ها کارگری می‌کردند، کسانی که به فرض سموم کشاورزی می‌فروختند، کسانی که کارشان شخم زدن این زمین‌ها بوده است و در کل کسانی که به‌طور غیرمستقیم منتفع از زمین بوده‌اند، هیچ چیزی دریافت نکرده‌اند و این فقط صاحبان زمین هستند. برای کسانی که قبلاً روی این زمین‌ها کار می‌کردند و یا به‌طور غیرمستقیم از آن بهره می‌بردند، بیکاری به وجود آمده و این امر می‌تواند در کاهش درآمد این افراد و متعاقباً ایجاد نابرابری تأثیرگذار باشد. کاهش درآمد غیرمستقیم دیگر مربوط به دامداری است که با کاهش زمین‌ها و مراتع با حجم گسترده، دامداری هم دچار نقصان شده است. مردم اظهار می‌کنند که این زمین‌ها را با رضایت نداده‌اند و در اثر فشار قانون مجبور به دادن زمین شده‌اند. در مرحله ساخت بعد فیزیکی پتروشیمی عده‌ای از مردم به‌صورت موقت کار گیر می‌آوردند و مشغول کار می‌شوند اما این کارها همچنان که ذکر شد، موقتی هستند و مردم بدون بیمه و هیچ تضمینی با پیمانکاران پتروشیمی مشغول کار می‌شوند؛ اما بعد از مدتی همه بیکار می‌شوند و فقط عده بسیاری قلیلی می‌توانند در پتروشیمی استخدام شوند؛ یعنی بعد از یک دوره کارگری در بخش فیزیکی پتروشیمی اکنون بیکار شده‌اند و دیگر به‌مانند گذشته زمین‌هایی را هم در اختیار ندارند که روی آن کشاورزی و دامپروری کنند. تشدید بیکاری در این مرحله رخ می‌دهد و به دنبال آن مردم از طرح ناراضی می‌شوند. پتروشیمی با تأثیرات زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که بر منطقه می‌گذارد و از طرف دیگر حتی نیروی کار بومی را هم جذب نمی‌کند و اندک افرادی را که جذب کرده است در مشاغل دون‌پایه بوده است. مردم خود را از منتفعان طرح نمی‌دانند و در برخی موارد می‌خواهند به هر کاری متوسل شوند که نفعی را از طرح ببرند مثلاً رشوه بدهند یا سفارش به استخدام شوند که اغلب این تلاش‌ها هم بی‌اثر مانده است. ناگفته نماند که به وجود آمدن رانت کاری در پتروشیمی یک نقش عمده ایفا کرده است و به کسانی که فاقد آشنا هستند کمتر مجال استخدام داده است. در برخی موارد مردم چشم به راه کارخانه‌های پایین‌دستی هستند که قرار است تأسیس شوند، اما چون این کارخانه‌ها را بخش خصوصی باید احداث کند، مردم می‌گویند که بخش خصوصی هم موظف نیست که از نیروی کار بومی استفاده کند. در این میان یک سردرگمی و آزرده‌خاطری مردم را در آغوش گرفته‌اند. این در حالیست که در میان روستاهای همجوار طرح، افراد تحصیل کرده با رشته‌های مرتبط هم به وفور موجود است، نکته حائز اهمیت این که هیچ زنی از روستاهای اطراف طرح در پتروشیمی نتوانسته است استخدام شود. در این وضعیت مردمی که نتوانسته‌اند سرکار بروند، دیگران را به پارتی‌بازی و رشوه دادن متهم می‌کنند و این باعث کاهش انسجام و

یکپارچگی بین مردم شده است. هیچ ریالی از ارزش افزوده این پتروشیمی برای منطقه صرف نشده است. بسیاری از فازهای آن در اختیار بخش خصوصی است و تا ۱۰ سال آینده معاف از مالیات است. زیرساخت‌های فرهنگی لازم برای پتروشیمی وجود نداشته است. اگر بخواهیم به فرصت‌های ایجاد شده طرح هم پردازیم باید از تجربه جدید کاری برای برخی از افراد، انتشار فرهنگ بومی، آشنایی با فرهنگ‌های دیگر و بالا بردن درآمد تعداد محدودی از افراد اشاره داشت.

## منابع

۱. ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
۲. اوانز، پیتر (۱۳۸۲)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۳. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷)، نوسازی و پسانوسازی، ترجمه علی مرتضویان، ارغنون، شماره ۱۳، پائیز.
۴. اینگلهارت، رونالد؛ و لزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
۵. توکل، محمد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی تکنولوژی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۶. توکل، محمد، نوذری، حمزه (۱۳۹۱)، تحلیل اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت پالایشگاه گاز پارسیان بر نواحی روستایی (مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان مهر در استان فارس)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴.
۷. جدیدی میان‌دشتی، مهدی (۱۳۸۱)، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی بررسی نقش بخش صنعت و معدن در توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور، وزارت صنایع دفتر برنامه‌ریزی.
۸. جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۶) کاریز دستاورد دانش و فرهنگ بومی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۳، دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۳)، مفاهیم و مبانی ساماندهی در نواحی روستایی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۰. دیلینی، تیم (۱۳۸۷)، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نی.
۱۱. ذکائی، م، س (۱۳۸۱)، نظریه و پژوهش در روش‌های کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۷.
۱۲. رضوانی، محمدرضا؛ رمضانزاده لسبویی، مهدی و محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۸۹)، تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی مورد مطالعه: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸.
۱۳. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۲) توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، تهران.
۱۴. سرور امینی، ش. اسدی، ع؛ و خ. کلانتری (۱۳۸۹)، بررسی اثرات شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۳۸.
۱۵. طاهر خانی، مهدی (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی استان مرکزی)، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۳، شماره ۴۰، صص ۳۳-۴۵.
۱۶. فاستر، جورج (۱۳۷۸)، جوامع سنتی و تغییرات فنی، ترجمه سید مهدی ثریا، تهران: کتاب فرا.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
۱۸. مشیری، سیدرحیم؛ آذرباد، نسرین؛ (۱۳۸۶)، پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستای کمرد در دهستان سیاهرود، شهرستان تهران مجله: روستا و توسعه « پاییز، سال دهم، شماره ۳، ۱۸ تا ۱۹۴.
۱۹. مطیعی لنگرودی، سید حسن و نجفی کانی. علی اکبر (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی شهرستان بابل) پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، تهران.
۲۰. مک کتزی، دونالد (۱۳۸۶) مارکس و ماشین: بررسی انتقادی نظریه جبریت فناوریانه، در فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
۲۱. وثوقی، منصور (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران.
۲۲. هابسبام، اریک (۱۳۸۷)، صنعت و امپراتوری، ترجمه عبدالله کوثری، نشر ماهی، تهران.
۲۳. هاتف، سمیرا، (۱۳۹۳)، ارزیابی تأثیر اجتماعی کارخانه سیمان در منطقه دیلمان (مطالعه موردی روستای گولک از توابع گیلان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲۴. هانت، دایانا (۱۳۸۶)، نظریه‌های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نی.

25. Abercrombie, Nicholas. Hill, Stephen. Turner, Bryan. S. (1984) Dictionary of Sociology, Harmondsworth, Penguin Book.
26. Abuya, W.O., 2016. Mining conflicts and corporate social responsibility: titanium mining in Kwale, Kenya. Extr. Ind. Soc. 3 (2), 485-493. (<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2214790x15300174>) (Accessed 1 April 2016).
27. Dunmadel, Israel (2002), Indicators of Sustainability: assessing the suitability of a foreign technology for a developing economy, technology in society, vol 24No4.
28. Égré, D & Senécal, P (2003), Social impact assessments of large dams throughout the world: lessons learned over two decades, Impact Assessment and Project Appraisal, 21:3, 215-224
29. Galina Ivanova, John Rolfe, Stewart Lockie, Vanessa Timmer, (2007) Assessing social and economic impacts associated with changes in the coal mining industry in the Bowen Basin, Queensland, Australia, Management of Environmental Quality: An International Journal, Vol. 18 Issue: 2, pp.211-228.
30. Gillham, B. (2000). The Research Interview. New York: Continuum.
31. Misra, R.P. (1985), rural industrialization in Third World Countries, New Delhi: Sterling Publishers.
32. Rizwanul, Islam (1994), Rural Industrialization: An Engine of Prosperity in Postfirm Rural China, World development, No 11: 1642-1662
33. UNIDO, (1979), the role of small and medium scale industries in OIC member states, Vol 21, No. ۹.